

روزنامه

۱۰ دو نیمه در بهشت

دویدن یاد بگیر پسرک

امیر پوریا

۱ - غیر از خود آن «آقای شریفی نیا» که برخلاف محمدرضا شریفی نیای خودمان، اصلاً شوخ طبع و بامزه نبود، آیا واقعاً کسی پیدا می‌شود که بداند این مسابقهٔ عریض و طویل «جام طلایی» (اسمش شما را به یاد مسابقهٔ تیراندازی وسط کارتون رابین هود نمی‌اندازد؟ «مسابقهٔ پیکان طلایی»!) در برنامه «با جام جهانی» شبکهٔ سه تلویزیون، چیست و چه قوانینی دارد و قرعه‌کشی‌ها و ضاربپ و احتمالات و ارقامش بر چه مبنای استوار است؟ جایزهٔ خودرو (که گالب است، هنوز با اسپانسرها به توافق قطعی نرسیده‌اند و اسمش را نمی‌گویند تا بعداً بدهکار شوند)، به هر حال خیلی‌ها را وسوسه کرده و بی‌آنکه هنوز و در روزهای یک‌هشتم جام، از قواعد این بازی آشفته و باتکلیف سر درآورده باشند، در آن شرکت کرده‌اند. کمیک‌ترین وجه ماجرا این است که درست‌بودن پیش‌بینی، برای قرار گرفتن در سبد قرعه‌کشی اغلب جوایز، هیچ تأثیری ندارد و به همین جهت، انبوهی بی‌آنکه اصلاً درک و علاقه‌ای نسبت به فوتیال داشته باشند، بسته‌های نقره‌ای با طلایی را خریده‌اند و پیش‌بینی‌های پرت کرده‌اند و بدون اینکه به تماشای مسابقات جام بنشینند، فقط همین بخش «جام طلایی» را نگاه می‌کنند و از قرعه‌کشی هیجان‌زده می‌شوند و بعد به سراغ سریال‌های «ب» سبک شبکه‌های دیگر می‌روند! پرسش اول و اساسی این است که برگزاری رقابتی بین پیش‌بینی کنندگان نتایج بازی‌های جام که پیش‌بینی درست‌شان فقط گاه و در مورد جوایزی کم‌اهمیت، تعیین‌کننده است، واقعاً چرا باید در دل برنامه پخش زنده مسابقات بگنجد؟ دوم اینکه چرا باید قوانین و ملاک‌های این مسابقهٔ آتقدر تبصره و استثنا داشته باشد که بی‌تردید حتی خود مجری فعلی‌اش هومن حاج عبداللهی هم از چند و چون آن سر درنمی‌آورد و فقط آنچه را بهش گفته‌اند، بی‌توضیح اجرا می‌کند و گاهی عددی را (غیرقابل قبول» توصیف می‌کند و کنار می‌گذارد و گاهی یکی دیگر را برای ایجاد امکان تکرار، دوباره توی گلدان می‌اندازد و . . . ۱۴ و سوم اینکه با ضوابط سخت و سخت سازمان صدا و سیما در به کارگیری هر نوع تبلیغ درون‌برنامه‌ای و اسپانسر و غیره، جدا اگر هر مجموعهٔ تجاری دیگری می‌خواست چنین آشفته‌بازاری برای پیش‌بینی و قرعه‌کشی در طول جام جهانی به راه بیندازد، بخش‌های خبری طاق و جفت تلویزیون پیچیدگی عجیب و غریب مسابقه‌اش را مشکوک تلقی نمی‌کردند و رایش پرورده نمی‌ساختند؟!

۲ - در محاسبات معمول و طبق اعتبار و پیشینه تیم‌ها، رقابتها در بازی اول امروز بین انگلیس و اکوادور، هولیگان‌ها نباید نگرانی ویژه‌ای داشته باشند. حریف‌شان نه تنها مدعی نیست، بلکه همین صعود به یک‌هشتم را هم به عنوان شگفتی کار آنها می‌شناسیم و بلندپروازی فراتر از این برایشان تصور نمی‌کنیم. اما هر چه باشد، این همان تیمی است که وقتی بازیکنان اصلی و ثابت‌ر با جلوی لهستان بی‌برنامه و کاستاریکای ضعیف به میدان می‌فرستاد، دو سه گل می‌زد و پنج شش خطر نزدیک به گل ایجاد می‌کرد، بازیکنان تکنیکی و باهوش خط میانی و حمله‌اش مثل مندر و دلگادو و تنوریو (طبعاً منظورم کارلوس است، نه ادوین) هم آمادگی بدنی لازم برای دوندگی کامل ۹۰دقیقه‌ای (و چه بسا ۱۲۰دقیقه‌ای) را دارند و هم سرعت و اعتماد به نفسی که لازمه تکمیل این توان جسمی است و مهمتر از همه اینکه چون خودشان و دیگران، انتظاری برای صعودشان ندارند، هیچ فشاری رویشان نیست و برخلاف انگلیس، بدون حساسیت و دهن‌تپ می‌کنند. اینها می‌تواند برای تیم سرحال و دوست‌داشتنی اریکسون حسابی نگران‌کننده باشد و نگذارتا ساعت ۶/۳۰ عصر امروز، یک نفس راحت و بی‌اضطراب بکنشیم. به خصوص از این جهت که وین رونی با دو سه حرکت درخشان در بازی با سوئد، هم قوی است و هم سریع نشان داد؛ ولی با آن حرکات ترسناک و اعتراض آمیز بعد از تعویض‌اش، بعید نیست اریکسون کمی گوشش را بکشد و از اول او را در بازی نگذارد. بدتر از آن، اینکه مایکل اوون یعنی بهترین همراه ممکن رونی در خط حمله، با مصدومیت ناگهانی و خود به‌خوداشی، کل جام جهانی و به روایت سایت رسمی بازی‌ها، همه مسابقات فوتیال را تا سال آینده از دست داده است! نمی‌دانم یادتان می‌آید یا نه؛ ولی اگر مثل من لیورپولی بوده باشید، حتماً ۳، ۴ بار مشابه همین حرص و حسرت خوردن‌ها را در چند سال گذشته و پیش از زنالی شدن پسرک، تجربه کرده‌اید: اوون تا به حال بارها مثل همین دفعه، بدون آن که رویش خطا کنند و بی‌آنکه اصلاً بازیکنی دور و برش باشد، برای خودش لیز می‌خورد و پایش پیچ می‌خورد و می‌افتد و تمام: شش ماه مصدوم. نمی‌دانم چطور ممکن است فوتبالیستی در این حد و سطح، دویدن بلد نباشد و پنج شش مصدومیت طولانی را فقط بابت این که شست پایش برای خودش توی چشمش رفته، سبزی کند و تیم و طرفدارانش را در حساس‌ترین مواقع قال بگذارد.

۳ - در بازی دوم امشب که روی کاغذ، حساس‌تر از اولی به نظر می‌رسد، پیشنهاد جدی دارم که هوادار هلند باشیم. دلایل مختلفی برای این احساس وجود دارد: هلند تمیم باشخصیت‌تری است و این را می‌توانید از مقایسهٔ کاراکتر متین و آرام فان باستن با هوچی‌گری‌های همیشگی و لمپن‌وار اسکولاری متوجه شوید. هلند با وجود پتانسیل و سابقه‌ای که دارد، حتی به اندازه نصف نصف پرتغال هم تا پیش از جام و تا این جای جام، ادعا و رجزخوانی نکرد و دارد با طراوتی روزافزون، بازی به بازی به هلند شناور و روان دهنه هفتاد و اواخر دهه هشتاد شبیه‌تر می‌شود. در صورت برد دو تیم آدم حساسی بازی‌های امشب یعنی هلند و انگلیس، مسابقهٔ آنها در مرحلهٔ بعدی می‌تواند از بازی‌ها به یاد ماندنی و سریع و زیبای جام باشد و خاطره‌ها بسازد. دلیل آخرش برای خودم اصلاً مطرح نیست ولی با مقادیری بدجنسی که در طرفدار جمع کردن برای تیم‌های محبوب‌مان مجاز است، می‌خواهم از احساسات ملی‌گسائی که باعث در مقابل پرتغال را ایا آن بازی خوب بچه‌ها» به تعبیر برانکو، حق تیم ما نمی‌دانستند، استفاده کنم و بپرسم که جداً دوست ندارید خوش‌رنگ‌های هلندی، انتقام‌مان را از پرتغالی‌های خفروش بگیرند؟!

بعد از کاکا، او بهترین برزیلی در جام جهانی است.

فیلیپه اسکولاری تنها برزیلی است که می‌برد و همه را

متقاعد می‌کند که بهترین است. رونالدو همیشه او را به طور دوستانه و صمیمانه صدا می‌زند: «فیلیپائو» شاید هم دلنگن او است. کسی که باعث شد رونالدو قهرمان و بهترین گلزن جام قبلی شود. حالا او در یک تیم دیگر مبرگری می‌کند و رونالدو آن جایگاه سابق را ندارد اما برای او آرزو می‌کند که با تیم پرتغال بالاتر و بالاتر برود. این بد نیست که فیلیپائو بدون برزیل هم می‌تواند پیش برود و در جام جهانی یکی از بهترین‌ها باشد. او یک مربی جهانی است و هیچ کس به او حسادت نمی‌کند و همه معتقدند که او راه درستی را انتخاب کرده است. اگر امروز میلیونویچ و هائزی میش جلزء رکورددارهای حضور موفق در جام جهانی هستند، در عوض بیره نیست که بگویم اسکولاری هم در ادامه این مردان بزرگ می‌آید و می‌تواند همه را شگفت‌زده کند. امروز پرتغال بعد از ۴۰ سال به مرحله یک‌هشتم نهایی رسیده است. به عنوان تیم برتر گروهش و با ۶ امتیاز کامل. سال ۱۹۶۶ در انگلستان هم یک برزیلی سرمربی پرتغال بود: فرد بوسکالیونه. او سامبا را به پرتغال آورد و

حریفان را یکی یکی بیرون می‌انداخت و به جایگاهی بزرگ دست یافت. حالا نوبت اسکولاری است. او در جام ملت‌های اروپا ۲۰۰۴ در قدم آخر شکست خورد اما در جام جهانی کارنامه او فرق می‌کند. او تنها مربی جام است که هنوز نباخته: برزیل قهرمان شد و پرتغال به مرحله یک‌هشتم صعود کرده است. (۱۰ پیروزی متوالی، ۷ پیروزی با برزیل و ۳ پیروزی با پرتغال) بعد از ۴۰ سال پرتغالی‌ها یک مربی برزیلی دیگر پیدا کرده‌اند و آرزو می‌کنند که همان اتفاقات دوباره تکرار شود. همه چیز به آن روزها شبیه است. آنها اعتقادات مشابهی دارند: مقدسات و تقدیرات الهی. آنها کارشان را در بجموحه جنگ‌های داخلی فوتبال پرتغال شروع کردند، ذهنیت تیمشان را تغییر دادند و ستاره‌های بزرگی را معرفی کردند. آن موقع اوژو ویزو و امروز لوئیس فیگو. پاولتا می‌گوید: «او کارهایی برای فوتبال پرتغال کرده است که هیچ کس تا به امروز انجام نداده است. او به بازیکنانش اعتماد کامل دارد و همین اعتماد را در ما هم به وجود آورده است. فوتبال پرتغال امروز متحد است و همه برای موفقیت این

علی فولادی – آلمان: فوتبال ایران با سرخوردگی از ضیافت جام جهانی بیرون آمد و در عین حال الان کمتر کسی در این مهمانی به فکر نبودن ما است. شاید طبیعی این باشد که آرزو کنیم کاش زمان بیشتری در این جشن که به قول آلمانی‌ها «Mega Party» نامیده شده می‌بودیم، اما حقیقت این است که ما و این ضیافت از یک جنس به نظر نمی‌آمدیم. کاروان تیم ملی فوتبال ایران با سربلندی برنگشت و تلخ اینجابد که کمتر کسی از اعضای تیم این سرافکندگی را درک کرد. مگر آن چند نفری که سالیانی است در پوندنس لیگا بازی می‌کنند و می‌دانند ما تا چه حد بازنده شدیم. عده‌ای که باید بازی می‌کردند از اینکه به اندازه کافی بازی به آنها رسیده و می‌توانند با افتخار عمر را سر کنند و با پیشنهادهای بهتر روزگار را بگذرانند خوشحالند. عده دیگر دارند به برانکو و در و دیوار بد می‌گویند که فرصت زیادی به آنها نداد. کمک مربی منتظر است چند عسکی که در ورزشگاه‌های آلمان گرفته به دوست و فامیلی که به دیدنش می‌آیند نشان بدهد. برانکو ایوانکوویچ مربی جنتلمنن و مودب روزهای اول حالا به یک مربی جام جهانی رفته تبدیل شده. آن تور مسافرتی سود لازم را کرده در این وسط فقط نام ایران ظاهراً باخته است.

بعد از بازی دلسردکننده ما با آنگولا صحبت‌های در گوش خیرنگارها مبنی بر اعلام زودهنگام حکم اخراج محمد دادکان شروع شد. این وسط نماینده‌های چند روزنامه‌ای که در این مدت او را کلافه کرده بودند ژست‌های پیروزمندانه خود را فراموش نمی‌کردند. انگار که زحمات چند ساله آنها دارد به نتیجه می‌رسد.

روز جمعه عربستان مقابل اسپانیا آبروی آسیا را خرید. سعودی‌ها در نیمه دوم باید بازی را با مساوی بیرون می‌آمدند که ناشی گری خودشان مانع از آن شد. مارکوس پاکتا برزیلی در نیمه دوم هرچه بازیکن داشت پشت سر هم ردیف کرد وسط زمین تا هم مثلث آبلدا-فابرا-س-اینستا را در مرکز خط میانی اسپانیا از کار بیندازد و ضمناً منشاء توپ‌هایی را که به ریس و خواکین در چپ و راست می‌رسید کور کند که در این راه موفق هم شد. یکی از این بازیکنائی که پاکتا به درون دایره وسط زمین آورده بود محمد نور هافبک شماره هشت تیم بود که نیمه اول هافبک راست بل خط بازی می‌کرد هر چند چندین بار از فرط خونسردی و اعتماد به نفس داشت کار دست تیمش می‌داد اما حقیقتاً یک سر و گردن از خیلی از بازیکن های دو تیم بهتر بازی کرد. اواخر بازی هم از سمت چپ عبور کرد و توپ را در شش قدم به سعد الحرقطی رساند که او هم به زیبایی توپ را به اوت زد! سعد الحرقطی در واقع سرسسته بازیکنان تیم عربستانست. به حدی که هنگام حملات سعودی‌ها آن چند نفر خیرنگار عرب دوروبر

امشب پرتغال – هلند

می خواهیم سرسخت باشیم

محسن ابراهیمی



۵۷ساله امکان‌پذیر خواهد بود. فیلیپائو می‌گوید: «ما همان کاری را ادامه می‌دهیم که قبل از این انجام می‌دادیم. فضای تیم ما بسیار خوب، آرام و دلپذیر است. مطمئن هستم که این تیم می‌تواند نتیجه‌ای بزرگ بگیرد. امشب برای ما شب بزرگی است چون به مرحله یک‌هشتم رسیده‌ایم. اما این نباید سقف آرزو‌ها و قدرت تیم ما باشد. «او درست می‌گوید همان‌طور که فیگو می‌گوید: «اسکولاری همان مربی ایده‌آلی است که ما بازیکنان می‌خواهیم.»

ستاره‌های پرتغال با همین خواست خود را برای اولین و مهم‌ترین بازی آماده می‌کنند. اسکولاری می‌گوید: «دوست دارم روزی یک بازیکن انگلیس باشم. چرا که نه. اما وقتی قراردادم تمام شده باشد و آزاد باشم. برای من خیلی سخت بود که قبل از پایان جام جهانی با یک تیم دیگر مذاکره کنم و به توافق برسم. نمی‌خواستم برای پرتغال و تیمم شرایط سخت و پیچیده‌ای را به‌وجود بیاورم.» او با تیمش کار می‌کند و اعتقاد دارد که شرایط

امروز بسیار زیبا است. اعتقادات و ایمان خودش را حفظ کرده و به دنبال یک پیروزی بزرگ است. او در مورد مارکو فان باستن مربی جوان هلند مثل یک پدر و همکار می‌گوید: «او شایسته هرگونه تبریک و تشویقی است. چون کار بزرگی انجام داده است.» اما در پرتغال همه فیلیپائو را تشویق می‌کنند حتی برزیلی‌ها. امشب فوتبال را بنویسیم اما در حال حاضر این شرایط نه برای ما که حتی برای هلند هم سخت است. این بازی بزرگی

تک نگاری روزهای آخر مرحله مقدماتی

مهمانان گودبای پارتی



■ ■ ■

در بازی اسپانیا- عربستان به جای تمام شبپوره‌های ایرانی اسپانیایی‌ها یک طبل داشتند که صاحبش هر وقت اراده می‌کرد، فضای استادیوم را در دست می‌گرفت. طبلان هم کسی نبود جز پیرودی که با پیراهن سنتی کشورش این طرف و آن طرف می‌رفت و سر از هر گوشه‌ای که در می‌آورد همه را به خودش جلب می‌کرد. اما حتی او هم موجب نشد اسپانیایی‌های خونگرم که نود درصد ورزشگاه فرتیز والتر کایزرسلاترن را اشغال کرده بودند از تیم ملی کشورشان حمایت پرشوری داشته باشند. هیچ کدام از اسپانیایی‌ها دل و دماغ تشویق تیمی را که بد بازی می‌کرد نداشتند و فقط در دقایق بعد از تک گل این تیم از خودی خود شدند. مثل تماشاگران ایرانی که به جای تشویق کردن، این تیم است که باید آنها را به وجد بیاورد. . . .

■ ■ ■

با این نمایشی که از عربستان مقابل اسپانیا دیدیم، ایمان آوردیم که در جام ملت‌های آسیای بعدی اوضاع برای تیم ملی ما چندان روبه‌راه نیست. جدا از اینکه ژاپن و کره جنوبی همیشه برای ما دردسر ساز بوده‌اند باید با این فکر تیم ملی را آماده جام ملت‌ها کنیم که یک استرالیای بسیار قدرتمند و نیز عربستانی که در اکثر اوقات برابر ما برنده بوده و البته دوباره به روزهای خوب برگشته انتظار ما را می‌کشد. فراموش نکنید که برخلاف تصورات بعضی‌ها روی کار آمدن یک مربی مثل آری‌هان شوارتن موفقیت ما را زیاد نخواهد کرد. با این اوضاع و احوال فوتبال و ورزش ما باید برویم سراغ یک

چهره‌ها

شانس طلایی بارونه



دیدار ایتالیا و استرالیا برای سیمونه بارونه مفهومی بسیار ویژه داشت. هافبک اسبق کیه‌وو و پارما و فعلی پالرمو در نیمه دوم دیدار کشورش برابر شاگردان گاس هیدینک به میدان آمد تا در مرکز خط میانی نبض حرکات این تیم را در اختیار بگیرد. سیمونه بارونه در خصوص نخستین حضورش در بازی‌های جام جهانی اظهار می‌کند: «واقعاً یک لحظه غیرقابل توصیف بود. برای هر فوتبالیستی چنین حضوری در جام جهانی یک هدف غایی است. و از اینکه موفق شدم به چنین افتخاری دست یابم تا در لباس کشورم در جام جهانی بازی کنم بسیار شادمان و خوشحال هستم. دست یافتن به چنین موقعیتی کار آسانی نیست.» در حالی که مارچلو لپیی دانله د روسی را تقریباً تا انتهای جام جهانی از دست رفته می‌بیند و سیمونه پروتا نیز از مصدومیتی جزئی رنج می‌برد، به احتمال فراوان این سیمونه بارونه است که در دیدار نخست ایتالیا در مرحله حذفی در برابر استرالیا در کنار آندره پیرلو و رینو گتوزو قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که شانس، این روزها به این هافبک پرقدرت و با قدرت بدنی بالا، روی خوش نشان داده است. بارونه در این خصوص می‌گوید: «آنچه که مهم و تعیین‌کننده است، احترام گذاشتن به اصول و ساختار اصلی مجموعه است. برای حضور در ترکیب اصلی آتزوری باید تلاش کرد و به سختی تمرین... باید به ارزش‌های تیمی احترام گذاشت و بر مبنای آن فعالیت کرد.»

■

بهترین جشن تولد پت



سی‌سالگی پاتریک ویرا برای او توام شد با گلزنی در زمانی که فرانسه در تب و تاب بسازکردن دروازه تسوگو می‌سوخت. فرانسه در حالی که تا آن گل، موقعیت‌های بی‌شماری را از دست داده، توانست با یک پیروزی مطمئن، برای نخستین بار از سال ۱۹۹۸ در جام جهانی به پیروزی برسد. حال خروس‌ها، باید دیدار یک چهارم نهایی همان جام را در برابر اسپانیا و این بار یک مرحله پیش‌تر تکرار کنند. هافبک مقتدر سابق میلان و آرسنال و فعلی یوونتوس در خصوص فرانسه می‌گوید: «مجموعه ما از هر لحاظ قدرتمند است. ما پتانسیل و توانایی‌های بی‌شماری برای نتیجه‌گیری داریم. بله، قبول دارم در مرحله مقدماتی نتوانستیم کیفیت همیشگی خودمان را نمایش دهیم. اما امیدوارم که چنین پیروزی‌ای در برابر توگو و متعاقب آن صعود به دور بعدی جام سبب شود تا تیم ما در میدان آزادانه‌تر و سبکبارتر بازی کند.» کاپیتان سابقی آرسنال می‌افزاید: «البته چنین پیشرفتی در مجموعه، بسیار دیدر نمایان است. سختی‌های بسیاری کشیدیم. ما به حال با تلاش و پشتکار مثال‌زدنی مان به هدفمان دست یافتیم. وقتی تسلیم بازی را شکستیم و گل نخست مسابقه را به ثمر رساندیم، از آن لحظه به بعد روند حرکتی تیم از لحاظ روحی و روانی بهبود یافت چون می‌دانستیم که به مرحله بعد صعود می‌کنیم. در خصوص گلی که در چنین شبی به ثمر رساندم هم باید بگویم، فکر دیدگاه شخصی بسیار شادمان و راضی هستم. فکر می‌کنم، هر چه که از مسابقات می‌گذرد در قالب مجموعه به پیشرفت چشمگیری می‌رسم.»

روز انتقام



نبرد ایتالیا و استرالیا را می‌توان یک اتفاق ویژه خواند. یک مبارزه انتقامی برای غالب ستاره‌های آتزوری و از جمله جی‌جی بوئون. . . . سنگربان بزرگ و مطمئن یوونتوس و تیم ملی ایتالیا به گاس هیدینک، کسی که ایتالیایی‌ها چندان با به یادآوری نامش احساس خوشایندی به آنها دست نمی‌دهد، هشدار داد، ایتالیا از هر نظر آماده تسویه حساب است. هیدیک ۴ سال پیش هنگامی که در اس کار کره جنوبی قرار داشت، با هدایت خود و سپس پیروزی تیمش برابر ایتالیا در مرحله یک‌شانزدهم نهایی تمام آرزوها و خواسته‌های آتزوری را بر باد داد و حالا در این قاب، دوباره خونسردی و این کشور را مقابل یکدیگر قرار داده است. سنگربان اسبق پارما، که این روزها در درون دروازه ایتالیا روزهای پرفروغی را تجربه می‌کند اعتقاد دارد: «هیدینک تیمش یعنی کره جنوبی برابر ما به پیروزی رسید و ما را به آن شکل از گردونه رقابت‌ها کنار زد بسیاری شادمان ساخت. اما این بار نوبت ماست. تاریخ دوباره تکرار شده، و قصد ما این است که از او انتقام بگیریم. بله قبول دارم. باید از چنین قرعه‌ای احساس رضایت کرد. دلیلی برای ناراضایی از چنین قرعه‌ای وجود ندارد. ممکن بود برابر حریفی بسیار قدرتمندتر از استرالیا قرار می‌گرفتیم. اما چنین جملاتی به این معنا نیست که ما این تیم را دست‌کم خواهیم گرفت. برای استرالیا احترام بسیاری قائلیم و این تیم را یکی از مجموعه‌های منسجم این جام قلمداد می‌کنیم. اما آنها از نظر قدرت و سخت‌کوشی نمی‌توانند خود را برابر با آمریکا بدانند. آمریکا در برابر ما تا آخرین قطره خون جنگید. اما خب ما تیم جان‌سختی هستیم و به این راحتی‌ها تسلیم نمی‌شویم. بازی کردن با ما، با هدف پیروزی، کار بسیار طاقت‌فرسایی است که اگر حتی هفت پیراهن نیز پوشیدم آتچنان به تلاش و تکاپو می‌افکید که قدرت عرق را می‌توان از هفتمین پیراهن مشاهده کرد.» ایتالیا در حالی به مصاف استرالیا خواهد رفت که به‌رغم پیروزی‌اش در برابر چک با نتیجه دو بر صفر با انگیزه زیادی از جانب رسانه‌های این کشور روبه‌رو انتقادات زیادی را شنیده است. بوفون می‌گوید: «اصلاً با چنین عقاید و تفکرات عرق را می‌توان از تلاشت آتچنان به تلاش و تکاپو می‌افکید که قبل از بازی با شش دستیار از جمله محمود الجوهری بازیکنان را آماده بازی کرد و ما در عوض برانکو و فرکی را داشتیم. . .